



پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد: ادینه محمد خوش احوال، ۱۳۹۶

تأثیرپذیری صادق چوبک از صادق هدایت با تاکید بر سه داستان کوتاه وی: انتری که لوطیش مرده بود، کفترباز و پیراهن زرشکی

چوبک از اولین کوتاه نویسان قصه‌ی فارسی است و پس از محمد علی جمالزاده و صادق هدایت می‌توان از او به عنوان یکی از پیشروان قصه نویسی جدید ایران نام برد. وی سهم عمده‌ای در ادبیات داستانی ایران دارد. تأمل در متون ادبی گویای آن است که برخی از متون به تأثیر از یکدیگر نگاشته شده‌اند. این مهم در برخی از داستان‌های کوتاه صادق چوبک قابل بررسی است. واکاوی در آثار وی نشان می‌دهد که وی برخی سه داستان معروف خود به نام‌های انتری که لوطیش مرده بود، کفترباز و پیراهن زرشکی را به ترتیب با تأثیرپذیری از سه اثر ارزشمند صادق هدایت به نام‌های سگ ولگرد، داش آکل و مرده‌خورها به رشته‌ی تحریر درآورده است. هدف از این پژوهش بررسی چگونگی این تأثیرپذیری‌هاست. برای رسیدن به این هدف، پس از بیان کلیات پژوهش در فصل یک، در فصل‌هایی جداگانه به واکاوی شش اثر یاد شده پرداختیم. در بررسی انتری که لوطیش مرده بود و سگ ولگرد دریافتیم که چوبک در زمینه‌ی عناصر داستانی، اندیشه‌ی داروینیسیم، اندیشه‌ی سیاسی اجتماعی، رعایت حقوق حیوانات، ناتورالیسم، توجه به میل جنسی، تقابل سنت و مدرنیته از سگ ولگرد تأثیر پذیرفته است. در مقایسه‌ی کفترباز و داش آکل به این نتیجه رسیدیم که عناصر داستانی به کار رفته در این دو اثر شباهت‌های بسیاری با یکدیگر دارند و برخی از اندیشه‌های ناتورالیستی در این دو اثر مشترک است که می‌تواند نشان‌دهنده‌ی تأثیرپذیری صادق چوبک از صادق هدایت باشد. واکاوی در پیراهن زرشکی و مرده‌خورها نیز وجود عناصر داستانی همسان و برخی مضامین چون بی‌اعتمادی، فقر و خرافه باوری را تأیید نمود.

کلیدواژه‌ها: تأثیرپذیری، صادق چوبک، صادق هدایت، انتری که لوطیش مرده بود، کفترباز و پیراهن زرشکی

شماره‌ی پایان‌نامه: ۱۲۷۲۰۱۰۱۹۵۲۰۰۴

تاریخ دفاع: ۱۳۹۶/۰۶/۲۹

رشته‌ی تحصیلی: زبان و ادبیات فارسی

دانشکده: علوم انسانی

استاد راهنما: دکتر کاظم دامغان ثانی

M.A. Thesis:

Sadegh Hedayat,s infuence on Sadegh Chubak with an emphasis on his(Chubak,s)three short stories(Antari ke lotiash mordeh bood,kaftarbaz and pirahan zeresyki)



Chubak is one of the first short story writers in Persian, after Mohammad Ali Jamalzadeh and Sadegh Hedayat, he is one of the leaders of the new storytelling of Iran. He is a major contributor to the Iranian narrative literature. Reflection in literary texts suggests that some texts have been written to each other. This is important in some of the short stories of Sadegh Chubak. An analysis of his works shows that he wrote some of his three famous episodes, Antari ke lotiash mordeh bood, kaftarbaz and pirahan zereshki, respectively, with the effect of three honest works of Hedayat called the Stray Dog, Dash Akkel and the Mordekhorha . The purpose of this study is to examine how these impacts are. To achieve this goal, after summarizing the research in chapter one, we have looked at six of these works in separate chapters. In an investigation by Enrique Lothia, who was dead and a Sag Velgard, we found that Chubek had been affected by fictitious elements, Darwinism, political-social thought, animal rights, naturalism, attention to sexual desire, the confrontation between tradition and modernity from stray dogs. In comparison, Daphne and Dahle, we conclude that the fictional elements used in these two works are very similar to each other, and some of the naturalist ideas are common in these two works, which can show the true influence of Chubak on Sadiq Hedayat. The analysis of the crimson shirts and the dead ones also confirmed the existence of fictional elements and some of the naturalist components. The two writers in these two works have devoted more than four other works to their problem.